

آثار عبرت پذیری با محوریت خطبه قاصعه نهج البلاغه

استاد راهنما: محبوه نصرالهی

هاجر یوسفی، زهرا مهدیه نجف آبادی

مدرسه علمیه فاطمیه (س) نجف آباد استان اصفهان

چکیده

پند و اندرزگرفتن و استفاده از تجربیات دیگران و به کارگیری آن در زندگی را عبرت پذیری می‌گویند. عبرت پذیری یکی از فضائل نفسانی است که موجب بیداری انسان و تعالی روح و سعادت دنیا و آخرت می‌شود. از آنجا که عبرت‌پذیری از اتفاقات گذشته و استفاده از نتایج و آثار آن در زندگی، باعث تعالی و بالندگی فردی و اجتماعی شده و نیز مانع اتلاف نیروها و امکانات و باعث شکوفایی استعدادهای انسانی و بهره‌مندی هرچه بیشتر از سرمایه عمر می‌شود و در نهایت انسان را به سوی سعادت سوق می‌دهد. ضروری است که تحقیقی جامع و کامل در این زمینه انجام گیرد تا با آگاهی از این موضوع بتوان آن را در زندگی پیاده نمود. بنابراین از نتایج این تحقیق با روش توصیفی و کتابخانه‌ای و جستجو در منابع و متون دینی و تفاسیر گوناگون و خطبه قاصعه نهج البلاغه این است که عدم کبر، عدم ذلت و خواری، تواضع و فروتنی، یادآوری توحید و معاد از اهمیت و آثار ارزشمند عبرت پذیری است.

کلیدواژه‌ها: آثار عبرت پذیری، بصیرت، تقوا، خطبه قاصعه، نهج البلاغه.

مقدمه

عبرت در معنای دقیق یک نوع عملیات فکری است که طی آن عبرت گیرنده از مقدمات حسی مثل دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها بهره می‌گیرد و با گذر از آنها به معرفتی ورای آنها منتقل می‌شود و به نتیجه‌ای منطقی و معقول دست می‌یابد. عبرت پذیری از اعمال پسندیده و فضائل نفسانی است که موجب بیداری انسان و تعالی روح و سعادت دنیا و آخرت می‌شود. گردش شب و روز، ماه و سال، گرفتار شدن امت‌های گذشته به عذاب به خاطر سرکشی و نافرمانی در مقابل سفیران الهی و سقوط قدرتمندان سلطه‌گر و مرگ و میر پدران و گذشتگان و هزاران رخداد دیگر، هر یک می‌تواند وسیله پندی برای انسان باشد. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه در خطبه قاصعه برای عبرت پذیری آثار ارزشمندی همچون عدم کبر، عدم ذلت و خواری، تواضع و فروتنی، فزونی تقوا و هدایت بیان کرده است. به همین علت در این نوشتار به آثار عبرت پذیری با محوریت خطبه قاصعه نهج البلاغه اشاره می‌گردد.

عبرت پذیری از مهمترین روش‌های تربیت اسلامی که در قرآن، سنت، و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) به آن توجه و تأکید شده است. خداوند در قرآن کریم در آیات گوناگون یکی از مهمترین منابع و عوامل هدایت انسان را عبرت از گذشته‌ی گذشتگان معرفی می‌نماید و با الفاظ و عبارت‌های گوناگون مردم را به دقت و تفکر در زندگی و سرگذشت خوبان و بدان فرا می‌خواند و به انسان‌ها سفارش می‌کند که به سیر و تفکر در آیات آفاقی و انفسی بپردازند و عاقبت محسنین و مفسدین را بنگرند. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع، این نوشتار بر آن است که به آثار عبرت پذیری با محوریت خطبه قاصعه نهج البلاغه اشاره می‌گردد.

اما علت اینکه خطبه قاصعه نهج البلاغه برای تحقیق انتخاب شد، این است که آثار عبرت پذیری با محوریت خطبه قاصعه مورد غفلت واقع شده و تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته بود.

در مورد پیشینه می‌توان به نوشتارهای ذیل اشاره نمود:

۱. مقاله عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه، محمدرضا قائمی مقدم، مجله حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش، شماره ۲۷؛ در این مقاله نویسنده به عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه اشاره نموده است.

۲. مقاله عبرت آموزی و نقش آن در اخلاق و تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، اکرم احمدیان، ۱۳۹۱ش، دوره ۳، ش ۱؛ این مقاله بر آن است که به بیان نقش عبرت

آموزی در حوزه اخلاق و تربیت اسلامی با استفاده از منابع معتبر، به ویژه از نگاه امام علی(علیه السلام) با توجه به سخنان گهربار و نصایح ارزش مندشان در کتب گوناگون، خصوصا نهج البلاغه، پردازد.

۳. مقاله عبرت و عبرت آموزی در نهج البلاغه، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۳۸۹ش، دوره ۱، ش ۱؛ در این مقاله سعی شده است مسئله عبرت و عبرت آموزی از منظر حضرت علی(علیه السلام) به ویژه در نهج البلاغه بررسی شود و پیامدهای آن تبیین گردد. این مقالات به عبرت و عبرت پذیری و آثار آن در قرآن و نهج البلاغه میپردازد اما مقاله حاضر به آثار عبرت پذیری با محوریت خطبه قاصعه به طور اخص می پردازد.

مفهوم شناسی:

۱. آثار

آثار در لغت به معنای نشان (انیس، المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۵) و نتیجه شیء بوده و در اصطلاح به معنای «نتیجه و آن چیزی است که از چیزی به دست آید؛ نشانه و آن علامتی که دلالت بر چیزی می کند؛ خبر که بر سخنان گذشته دلالت دارد نه بر عمل آنان؛ آنچه در پی شیء بیاید که فقها آن را حکم گویند» (جرجانی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۲۹) استعمال می شود.

۲. عبرت

واژه «عبرت» از ریشه «عبر» در اصل بر نفوذ و گذشتن از چیزی دلالت دارد(فراهیدی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۲۹) و به معنای «تدبر و نظر»، «موعظه و تذکر»، «تعجب» و «پندپذیری» نیز آمده است(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۸) به عبارت دیگر «عبرت» عبارت است از: «حالتی که در آن معرفت امور ظاهری و محسوس(تجربیات)، سبب درک امور باطنی و غیرمحسوس شده و انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۴۳)

از منظر علمای دین، عبرت عبارت است از:

«بهره گیری از عقل برای عبور از حوادث جزئی و دریافت احکام کلی که این حالت به آدمی کمک می کند تا وضعیت خود و دیگران را تحلیل و آینده را توصیف و نسبت به آن توصیه هایی داشته باشد.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۱۳، ص ۳۳۴)

معنای مذکور از «عبرت»، در قرآن کریم در قالب برخی واژه های دیگر با شدت و ضعف آمده است. این واژه ها عبارتند از: تذکر(آل عمران، آیه ۱۴؛ حشر، آیه ۲) تفکر(طه آیه ۳) نظر(جاثیه آیه ۱۳) غاشیه آیه ۷) و نظر(جاثیه آیه ۴-۳)

۳. نهج البلاغه

نهج البلاغه، مجموعه ای از خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه امام علی(علیه السلام) است که نمایانگر گوشه ای از اندیشه بلند و آسمانی حضرت علی(علیه السلام) است از یک هزار سال پیش به صورت کتابی جاودانه در اختیار جهان و جهانیان قرار گرفته و دنیا را تحسین و با حیرت روبرو کرده است. (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۱) این کتاب مقدس شامل ۲۴۲ خطبه و ۷۹ نامه و ۴۸۹ کلمه کوتاه و حکمت آمیز از سخنان گهر بار و برگزیده ی پیشوای جهان اسلام، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری این مجموعه را جمع آوری کرده است. (آغابزرگ تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲۴، ص ۴۱۳)

خطبه قاصعه

یکی از طولانی ترین و بزرگ ترین خطبه های امیرالمؤمنین(علیه السلام) در نهج البلاغه، خطبه قاصعه است. این خطبه در سرزنش کردن ابلیس و دوری انسان ها از پیروی او است. علت اینکه حضرت علی(علیه السلام) این خطبه را ایراد نمودند این است که اهل کوفه در اواخر خلافت امام(علیه السلام) (به دلیل فراوانی ثروت و انتقال فرهنگ فاسد برخی از همسایگان به کشور اسلامی و مشکلاتی که در عصر خلافت دیگر خلفا در جامعه اسلامی به وجود آمد) گرفتار فساد زیادی شده بودند که مهمترین آنها، برتری جویی قبائل بر یکدیگر و تعصبهای جاهلی بود تا جایی که گاهی جوانان بی بند و بار با یکدیگر درگیر می شدند و یکی از آنان مجروح یا مضروب می شد فریاد بلند می کرد و اهل قبیله خود را به کمک می طلبید، آنها نیز چشم و گوش بسته به یاری او می شتافتند و چه بسا در این میان خون های زیادی ریخته می شد. امام(علیه السلام) برای خاموشی آتش این فتنه ها خطبه ای را که درباره مذمت و نکوهش تکبر و تعصب های جاهلی است، ایراد فرمود و حق سخن و نصیحت را به عالی ترین وجه بیان فرمودند.

و نیز بیان نموده اند که:

«حضرت علی(علیه السلام) این خطبه را سوار بر شترش که در حال نشخوار کردن بوده، ایراد کرده است.»

اهمیت و جایگاه عبرت‌پذیری

عبرت‌پذیری از فضائل است که در آموزه‌های اسلامی، آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(علیهم السلام)، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در واقع هدف خداوند از ذکر بسیاری از آیات، عبرت گرفتن انسان‌هاست که با درک ظاهری موضوع، تأمل و اندیشیدن در آن و سنجش و مقایسه آغاز می‌شود و در نهایت نیز به نتیجه‌ای معقول و منطقی که همان عبرت و اعتبار است، ختم می‌شود. بنابراین یکی از شیوه‌های مهمی که در نظام تربیتی اسلام بسیار مورد توجه قرار دارد، مسأله «عبرت‌پذیری» می‌باشد که نقش بسزایی در خودسازی و تهذیب اشخاص در جهت رسیدن به سعادت و تکامل بر عهده دارد؛ امام صادق(علیه السلام) می‌فرمایند:

«كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ دُعَاءَ بَالِسُنَّتِكُمْ»؛ (طبرسی، ۱۳۷۹، ص ۹۶) «مردم را با کردارتان دعوت کنید نه با زبان‌هایتان.»

برخی از زوایای اهمیت ویژه این فضیلت ایمانی عبارتند از:

۱. عبرت میانبر رسیدن به هدایت

یکی از موهبت‌های الهی، بیان وقایع مشابه تاریخی، شرح حال گذشتگان و محسنات و مقبحات آنان در منابع دینی و متون روایی است که به انسان جوای سعادت و کمال کمک می‌کند تا مسیر رسیدن به هدایت را کوتاه کرده و با عبرت‌آموزی از اشتباهات و لغزش‌های گذشتگان جای پای خود را مستحکم کرده و هر چه زودتر به یقین و ایمان کامل نائل آید؛ (صالح احمدی، مقاله عبرت‌گیری و پندپذیری، واحد پژوهش مجمع جهانی صدقین(علیهما السلام)) چنانچه امام صادق(علیه السلام) روایت شده است که:

«كَانَ أَكْثَرُ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ خَصَلَتَيْنِ التَّفَكُّرُ وَالْإِعْتِبَارُ»؛ (صالح احمدی، مقاله عبرت‌گیری و پندپذیری، واحد پژوهش مجمع جهانی صدقین(علیهما السلام)). «بیشترین عبادت ابوذر رحمه الله علیه تفکر و کسب عبرت بود.»

و به راستی کسی که از این موارد عبرت گیرد. این امور او را از انجام کارهای ناروا و ارتکاب خطا و گناه باز می‌دارد و وی را در مسیر تقوا و پرهیزکاری قرار می‌دهد.

۵. استفاده از تجربه‌های دیگران

مطالعه‌ی آثار و تاریخ پیشینیان، فایده دیگری به دنبال دارد که آن کسب تجارب است. انسانها در طول زندگی سعی بر این دارند هر امری را یک بار تجربه کنند و یک خطا را چند بار مرتکب نشوند، علاوه بر این اهل خرد تلاش می‌کنند تا خطایی را که دیگران تجربه کرده‌اند، مرتکب نشوند، در واقع سعی میکنند از تجربه‌های دیگران استفاده کنند، چرا که از عاقل چیزی غیر از این انتظار نیست:

«إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَ عَظَّمَتْهُ التَّجَارِبُ»؛ (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۷۵، کلام ۳۸۶۳) «همانا

عاقل کسی است که تجربه‌ها او را پند دهند.»

تا آن زمان که انسان در غرور خویشتن گرفتار است و سر در گریبان خود دارد، از اتفاقاتی که برای دیگران رخ می‌دهد، پند نمی‌گیرد و خطاهای تجربه شده دیگران را تکرار می‌کند. به این سبب، باید تربیت‌آموزان را با آثار به‌جای مانده از گذشتگان آشنا نمود تا با عبرت از سرنوشت آنها، تجارب آنان را پلی برای رشد و شکوفایی خود قرار دهند. کسی که تجارب دیگران را بر تجربه‌های خویش می‌افزاید، عمری به درازای عمر آنها دارد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیتی به فرزندشان امام مجتبی (علیه السلام) چنین می‌فرماید:

«أَيُّ بُنَى، إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمرْتُ عُمرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسِرْتُ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ، بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمرْتُ مَعَ أَوْلَاهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ. فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ...»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) «پسرم، اگرچه من به اندازه

همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند عمر نکردم، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان به من رسیده با همه آنها از اول تا آخر بوده‌ام. پس من قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک آن بازشناختم و سود و زیانش را دانستم، از میان تمام آنها، قسمتهای مهم و برگزیده را برای خلاصه کردم و از بین همه آنها زیبایی‌ها را برای انتخاب نمودم و ناشناخته‌های آن را از تو دور کردم.»

براساس این فرمایش حضرت علی (علیه السلام) تجربه گرفتن از سرگذشت دیگران، بهره‌مندی از حاصل عمر آنهاست. به طوریکه انسان عمری به دارازی عمر همه آنها داشته است، با این تفاوت که دیگر خطاهای آنان را مرتکب نشده است. نکته دیگری که در سخن حضرت مشهود است وظیفه‌ای است که امام (علیه السلام) برای مربی نشان می‌کند. وظیفه مربی است که تجربیات خود و دیگران را جمع‌آوری، تلخیص و تنقیح کند و به‌طور روشن و صریح و دسته‌بندی شده در اختیار فراگیران خویش قرار دهد.

نتیجه گیری

از مباحث گذشته می توان نتیجه گرفت که عبرت در نگاه اول به معنی پند و اندرز است ولی در معنای دقیق خود یک نوع عملیات فکری است که طی آن عبرت گیرنده از مقدمات حسی مثل دیدنی ها و شنیدنیها بهره می گیرد و با گذر از آنها به معرفتی ورای آنها منتقل می شود و به نتیجهای منطقی و معقول دست می یابد.

یکی از مهم ترین اهداف بازگو نمودن تاریخ و داستان گذشتگان در قرآن و روایات ائمه اطهار(علیهم السلام)، عبرت گرفتن برای مسلمانان است. در بسیاری از آیات الهی، داستان های پیامبران بزرگ الهی بیان شده است. در این داستان ها، هرگز هدف قرآن داستان سرایی محض نیست بلکه هدف ارائه رهنمود از رهگذر این داستان های سازنده است.

گردش شب و روز، ماه و سال، گرفتار شدن امت های گذشته به عذاب به خاطر سرکشی و نافرمانی در مقابل سفیران الهی و سقوط قدرتمندان سلطه گر و مرگ و میر پدران و گذشتگان و هزاران رخداد دیگر، هر یک می تواند وسیله عبرتی برای انسان باشد.

بصیرت افزایی، عدم تکبر، هدایت ، فزونی تقوا، استفاده از تجربه های دیگران از مهم ترین آثار عبرت گرفتن است.

به عنوان نمونه اگر انسان با چشم عبرت به همه حوادث، اتفاقات و اطراف خود بنگرد، با حقایق این عالم آشنا می شود، سپس به تحلیل آن حقایق می پردازد و اسباب و نتایج آن را درک می کند و کسی که با اسباب و نتایج آن حقایق آشنا می گردد، عالم می شود و راه را به سوی مقصد پیدا می کند.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی.

کتب فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ترجمه جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲ش.
۲. انیس، ابراهیم، فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم محمد بندر ریگی، تهران: اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۳. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، چاپ بیست و یکم، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۴. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۶. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، ترجمه هوشمند و محمدی، قم: دارالثقلین، ۱۳۷۹ش.
۷. مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، بی تا.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ بیست و یکم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ش.
۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، چاپ چهارم، قم: بوستان، ۱۳۸۶ش.

کتب عربی

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالصار، ۱۴۱۴ق.
۱۱. آغابزرگ تهرانی، الذریعه، محقق علی نقی منزوی، چاپ دوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۳۹۸ق.
۱۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم و دررالکلم، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، چاپ دوم، قم: دارالکتاب
الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

۱۴. جرجانی، علی بن محمد، **التعريفات**، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۸ش.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان
داودی، چاپ یکم، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.

۱۶. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، تحقیق محمدباقر فرسان، مشهد:
مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۱۷. فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل، **کتاب العین**، قم: دار الهجره، ۱۳۶۴ش.

۱۸. لیشی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم والمواعظ**، قم: دارالحديث، ۱۳۷۶ش.

مقاله ها

۱۹. قائمی مقدم، محمدرضا، **مقاله عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه**، مجله حوزه و
دانشگاه، ش ۲۷، ۱۳۸۰ش.